

شهر آرا محله

گام دوم ثبت نام ده‌های شورای اجتماعی محلات آغاز شد

طرح محله مادر نوفل لوشاتو، شقایق، رضاشهر و کوثر اجرا می‌شود

اگر اهل تماشا هستید این مکان را از دست ندهید

آبادی شهری با تکیه بر محله محوری

ثبت نام متقاضیان شرکت در انتخابات شورای اجتماعی محلات که دوره اول آن در محله سرافازان برگزار شد از ۱۵ تا ۲۹ تیر در ۳ محله دیگر منطقه ۹ در حال انجام است.

بامردم در میدان مشکلات

شور و مشورت از اقدامات آشنا برای رسیدن به تفاهم در زمینه‌های گوناگون است که معمولاً در رویارویی با مانع یا مشکلی از سوی تصمیم‌گیران مربوطه انجام می‌شود و از جمع‌های کوچک دوستانه، خانوادگی و همسایگی شروع می‌شود...

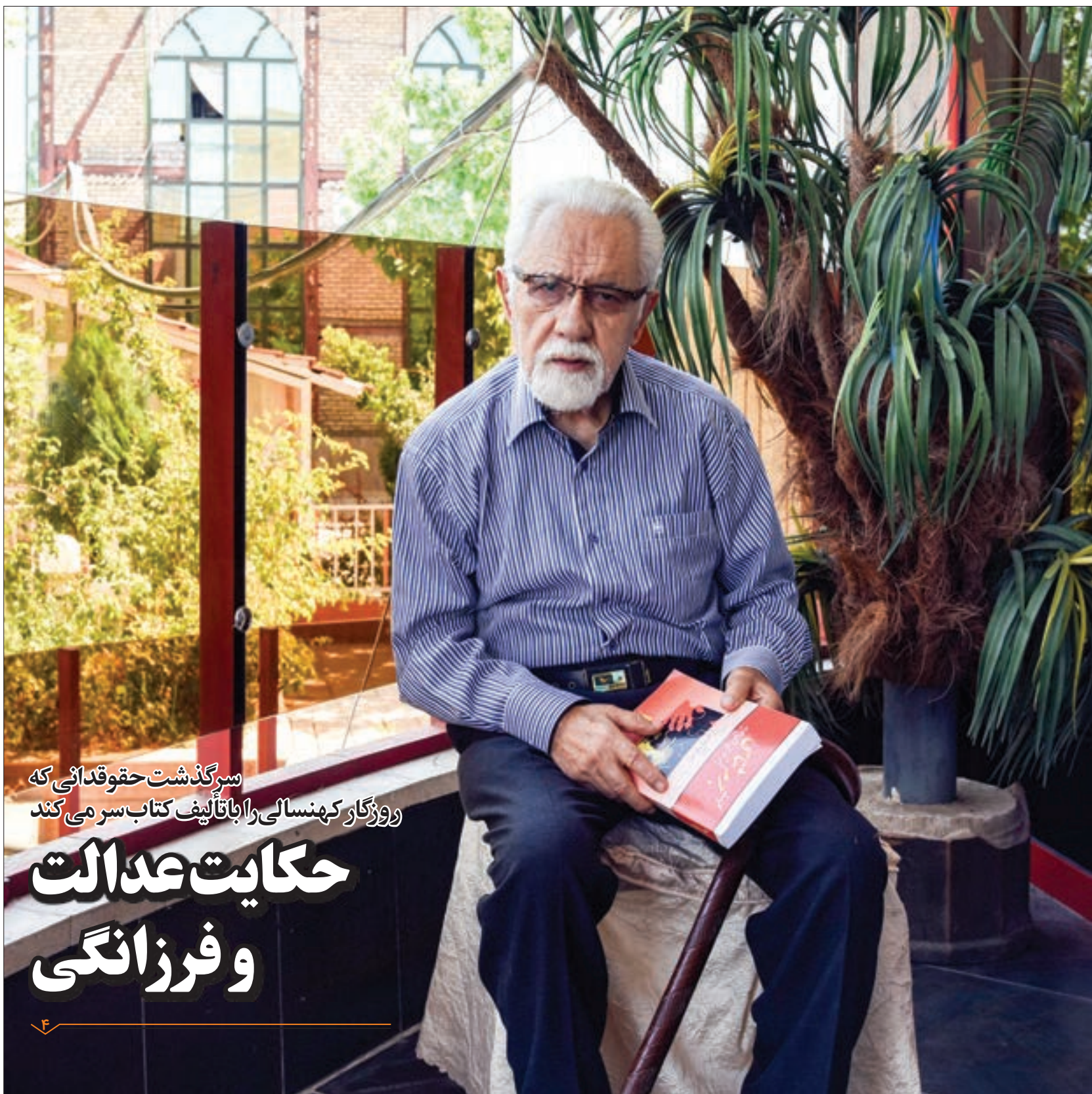
بر بام زو

قصه از دوستی آدم‌ها با کوه شروع می‌شود. شکوه اسرار آمیزی که تنهایی خیلی از آن‌ها را پر می‌کند و به هم نشینی‌شان با کوه می‌رسد. این دوستی آن قدر عمیق و پایدار می‌شود که...

۲

۳

۴



سرگذشت حقوق‌دانی که
روزگار کهنسالی را با تألیف کتاب سر می‌کند

حکایت عدالت و فرزاندگی

۴

نشست مردمی طرح محله‌ها با حضور تسهیلگران شورای اجتماعی در مسجد امام علی (ع) برگزار شد. به گزارش شهر آرامحله در این نشست اهالی محله شقایق به طرح موضوعات و مشکلات مربوط به محله خود پرداختند. این در حالی بود که مرحله اجرای طرح که با مشارکت شهرداری و پژوهشگران حوزه شهرسازی و معماری دانشگاه انجام می‌گیرد برای

مردم تشریح شد. نصب بنر در محله‌های پرتردد برای ثبت درخواست‌های مردمی از دیگر اقداماتی بود که در پایان نشست انجام شد. با جمع‌آوری پیشنهادهای اولویت‌های محلی مشخص خواهد شد و در نشست بعدی با حضور مردم به بحث و مشورت گذاشته می‌شود. این طرح قرار است هم‌زمان در محله‌های شقایق، کوثر، نوفل لوشاتو و رضاشهر اجرا شود.



طرح محله‌ها در نوفل لوشاتو، شقایق، رضاشهر و کوثر اجرا می‌شود

با مردم در میدان مشکلات

بیشتر کرده است؟

اگر منظورمان واگذاری طرح به پژوهشگران و استادان معماری و شهرسازی است، قطعا به خاطر نگاه و دید کارشناسی آن‌ها مؤثرتر است. اینکه نظرات مردم را به‌عنوان یک گروه متخصص به طرح تبدیل می‌کنند و در قالب پروژه‌های عمرانی و اجتماعی تحویل می‌دهند.

● در رابطه با عملکردتان بیشتر توضیح می‌دهید؟

طرح در چند مرحله انجام می‌شود. در واقع اولویت اصلی گروه‌های پژوهشی ارتباط گرفتن با مردم و نظرسنجی از آن‌ها به روش‌های مختلف است؛ گپ و گفت و مصاحبه‌های دوستانه مشاهدات غیرمستقیم و... علاوه بر این در نشست‌هایی که با حضور مردم همان محله گذاشته می‌شود نظرات آن‌ها شنیده می‌شود. حتی بنرهایی در مکان‌های پرتردد نصب می‌شود تا کسانی که فرصت حضور در جلسه‌ها را نداشته‌اند بتوانند نظرات خود را بنویسند. گفتم که نیازسنجی اصل اول کار ماست.

● چه اعتباری برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده است؟

گفته شده است ۵ درصد از اعتبارات عمرانی برای پروژه‌های مشارکتی در نظر گرفته شود.

● اختصاص این اعتبار برای مناطق برخوردار و کم‌برخوردار فرقی ندارد؟

سعی شده است اعتبار به میزان یکسان بین محله‌ها و مناطق تقسیم شود.

● سؤال را برای این پرسیدم که در همین منطقه هم حاشیه و محله کم‌برخوردار هست.

بله. این دغدغه ما هم بوده و هست و آن را مطرح هم کرده‌ایم ولی فعلا روال همین است و به‌جز

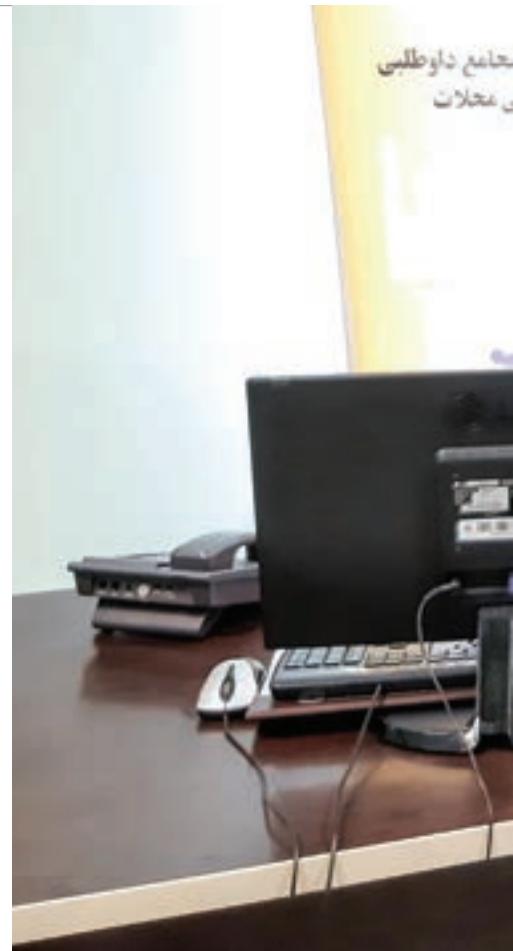
شور و مشورت از اقدامات آشنا برای رسیدن به تفاهم در زمینه‌های گوناگون است که معمولا در رویارویی با مانع یا مشکلی از سوی تصمیم‌گیران مربوطه انجام می‌شود و از جمع‌های کوچک دوستانه، خانوادگی و همسایگی شروع می‌شود تا گروه‌ها و حلقه‌های به‌مراتب بزرگ‌تر مثل نهادها یا ارگان‌های مربوطه به مسائل شهری. در این میان شورا مورد مشترک موارد یاد شده است. مدیران شهری ما این‌بار در قالب طرحی نو با همراهی گروهی متخصص و کارشناس در حوزه معماری و شهرسازی سراغ مردم رفتند تا پیگیر مطالبات مردم باشند.

● محله ما از کجا و با چه هدفی کلید خورد؟

این طرح تکمیل و پخته‌شده «خانه بهار است» که سال ۹۶ کلید خورد و به نظر طرح مؤثری در نظرسنجی از مردم بود. می‌شود گفت هدف از اجرای این مهم نیز مانند خانه بهار تقویت رویکرد مشارکتی بین مردم و مدیریت شهری است. فرایندهایی که تا به حال انجام شده است این بوده که برنامه‌ریزی‌ها از بالا به شهروندان ابلاغ شود درحالی‌که در طرح محله ما مردم خود به شهرداری برنامه پیشنهاد می‌دهند.

● به نظر می‌رسد استفاده از گروه پژوهشی و متخصص در اجرای این طرح تأثیرگذاری آن را

۳
ندا معصوم
خبرنگار



که سال‌ها در این محل ساکن بوده است و با مشکلات اینچا آشناست بتوانم مسئولان شهری را در رفع مسائل یاری کنم.

● یک فرمول برای همه محلات جواب نمی‌دهد

وی به‌عنوان فردی که سال‌ها در محله رضاشهر ساکن بوده است، بیان کرد: من بر این باور هستم که نمی‌توان مشکلات همه محلات را با یک فرمول و قاعده کلی رفع کرد و اهالی هر محل بهتر از هر کسی مشکلات محله خود را می‌دانند، به‌عنوان مثال مشکلات در محله سرفرازان با مسائل در محله رضاشهر به‌عنوان یک محله برخوردار متفاوت است. در این محله مشکلات معیشتی و زیرساختی بسیار کم است و باید روی مسائل فرهنگی تمرکز شود. به نظر من همین که شهرداری دست یاری خود را به سوی مردم دراز کرده است بدین معناست که مسئولان هم به این مسئله اعتقاد دارند و تصمیمات بزرگی برای ساختن یک شهر زیبا وجود دارد.

صابر مقدم هم با تکرار این موضوع که یک اجتماع از تعاملی که میان گروه‌های مختلف است می‌تواند به حیات خود ادامه دهد، گفت: با واگذاری مسئولیت‌ها به نماینده‌ها فرصتی پیش روی مدیریت شهری قرار می‌گیرد تا هم استعدادها و توانمندی‌های محلی شناسایی شده و هم جلب مشارکتی برای همراهی هم‌محله‌ای‌ها شود تا آبادانی شهری بر اساس محله‌محوری انجام گیرد.

چند محله بودجه اختصاص داده شده برای همه محله‌ها ۲۵۰ میلیون تومان است.

● به نظر می‌رسد مطالبات مردمی حتی در همین منطقه هم متفاوت است.

یقینا همین‌طور است. تفاوت به قول شما، هم به مطالبه‌های آن‌ها برمی‌گردد و هم استقبالشان از این طرح. اشتیاقی که مردم برای برگزاری جلسه در شقایق داشتند اصلا مقایسه‌شدنی با محله نوفل نیست که اهالی اش ادعا داشتند تشکیل جلسه برای محدوده‌ای که بدون مشکل است چه ضرورتی دارد.

● اجرای طرح در برخی محدوده‌ها شبیه شقایق ممکن است با درخواست‌های زیادی همراه باشد. قرار است به همه موضوعات رسیدگی شود؟

گفتم که چندین نوبت نظرسنجی و گفت‌وگو شده و بعد درخواست‌ها اولویت‌بندی می‌شود. برای اجرای آن‌ها هم شور و مشورتی با مردم و اهالی انجام می‌شود و درحقیقت همه چیز مشارکت با مردم است. هر چند آن‌ها هم باید بدانند اختیارات ما نیز محدود است و برخی تقاضا و نیازهای آن‌ها در حوزه وظایف دیگر نهادهاست، اینکه برخی اهالی درخواست دارند در رابطه با آسیب‌های اجتماعی نظیر جمع‌آوری معتادان وارد عمل شویم. این موضوع نه در حد اختیارات ماست و قدرت و توانمان.

● همراه با مردم شدن در رفع مشکلات چه تأثیری دارد؟

طرح هر چند کوچک باشد اما اینکه مردم حس کنند در سرنوشت محله زندگی‌شان تأثیرگذار هستند و یاد بگیرند که می‌توانند برای بهتر شدن زندگی در محدوده‌ای که هستند تلاش کنند، تعلق خاطرشان را به محله‌ای که زندگی می‌کنند بیشتر خواهد کرد و این امتیاز کمی نیست.





سرگذشت حقوقدانی که روزگار کهنسالی را با تألیف کتاب سر می‌کند

حکایت عدالت و فرزاندگی

گل دفتر

۵۶

نجمه موسوی کاهانی

– خیلی از افراد معتقدند آدم یا به سن که می‌گذارد حال و حوصله خودش را هم ندارد، چه رسد به اینکه سر و صورتش را بیاراید و لباس‌هایش را مرتب و عطر آگین کند.

آن‌ها سالمندی را برابر با بی‌حوصلگی و بی‌اعتنایی به

تمام چارچوب‌های اجتماعی می‌دانند که در طول زندگی دست و پای آدم را می‌بندد. با این اوصاف قرار ملاقات با سالمندی فریخته و تحصیل کرده را از اهالی محله لادن می‌گذارم به گمان اینکه احتمالاً سایه کهنسالی او را هم از صرافت رسیدگی به خودش انداخته است. در اتاق کوچکی که مملو از کتاب است منتظر دکتر جاوید صلاحی می‌مانم. گفته می‌شود صاحب تألیفات زیادی

است. پیرمرد وارد اتاق می‌شود با دسته بزرگی از کاغذ و چند کتاب در دست. موهای سفیدش با دقت خاصی آب و شانه شده است و از لباس اتوکشیده‌اش بوی عطر ملایمی در فضا می‌پیچد. با آرامش پشت میز می‌نشیند و در صندلی خود جای می‌گیرد. سعی می‌کند دست‌هایش را اهرمی قرار دهد تا انحنای نشسته بر کمرش از دید پنهان بماند.

باشد تا بتواند آن‌ها را درک کند. نوجوان نباید زندانی باشد بلکه باید در فضای کانون اصلاح و تربیت به پرورش او اهمیت داده شود. ما از همین کانون‌های اصلاح تربیت وکلای موقفی را تربیت کرده‌ایم و نباید این‌ها را از خاطر ببریم.

اینجای صحبت که می‌رسد آدم‌های موقفی به خاطرش می‌آید که از دل کانون‌ها برآمده‌اند. از تحقیقات وسیعش در کشورهای اسپانیا، فرانسه، مدیترانه و یونان می‌گوید که بعد از جنگ جهانی دوم درگیر بزهکاری فراوان نوجوانان بوده‌اند و کشورهایشان تا حد زیادی دچار ناامنی شده بود و اینکه تا چه حد کتاب‌هایش می‌تواند در شرایط فعلی جامعه به داد نوجوانان برسد.

اطلاعات محققان و متخصصان کشور به چاپ رسیده است اما باید خودم خاطراتم را کامل و مفصل بنویسم. کتاب بعدی من در باره خاطرات زندگی ام است.

● تألیفاتی که به داد نوجوانان می‌رسد

بعد از مکثی کوتاه از مطالبی یاد می‌کند که در تألیفات آینده‌اش به آن خواهد پرداخت. صحبتش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: برای کتاب‌های کیفرشناسی و بزهکاری اطفال و نوجوانان که چاپ اول آن در سال ۵۳ بود، تقدیرنامه و هم جایزه دریافت کردم. آن سال‌ها در زمینه دادرسی اطفال فعالیت‌های زیادی داشتم. من همیشه گفته‌ام قاضی نوجوانان باید جوان و باحوصله

که بحث کانون اصلاح تربیت مطرح شده بود و این بحث داغ بود که کودکان نباید به زندان بروند. من هم که تحقیقات وسیعی در این زمینه داشتم و پایان‌نامه‌ام هم در همین زمینه بود برای مصاحبه به دفتر رئیس دانشگاه رفتم.

● سران دستگاه قضایی از شاگردانم بودند

وقتی متوجه شدند که مدرک من از سوربن فرانسه است بدون معطلی پیشنهاد کار دادند و گفتند از همین امروز تدریس در مقطع کارشناسی ارشد را شروع کن. کمی تعجب کردم و خواستم برای تحقیق به کتابخانه دانشگاه تهران بروم، رئیس دانشگاه خیلی رک و پوست‌کنده گفت: «به خودت زحمت نده، هنوز در ایران کتابی در این زمینه نوشته نشده است. در مقطع فوق‌لیسانس هم که برای بزرگان قضایی مملکت تدریس می‌کنی هیچ کدام به باسوادی تو نیستند.» با این حرف به اندوخته‌های علمی خود بسنده کردم و اولین کلاس‌م را آغاز کردم که خوشبختانه با موفقیت هم برگزار شد. بزرگانی که رئیس دانشگاه می‌گفت اعضای عالی‌رتبه قضایی وقت کشور بودند. دادستان تهران، ۸ نفر از اعضای دیوان عالی کشور، ۶ نفر از دادگاه جنایی و چندین نفر از فعالان حقوقی و وکلای معروف آن دوران در کلاس حضور داشتند. پس از آن هم بسیاری از سران قضایی کشور از من نمره گرفته‌اند.

● سرگذشت زندگی ام را می‌نویسم

به اینجای صحبت که می‌رسد از لابه‌لای برگه‌هایش فهرست بلندبالایی درآورده و به من می‌دهد و می‌گوید: مجموعه‌هایی که تألیف کرده و به چاپ رسانده‌ام در دو بخش حقوقی و شعر است که هر کدام داستان خودش را دارد. کتاب‌های کیفرشناسی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، اخذ تصمیم برای کودکان و نوجوانان بزهکار، درآمدی بر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید، مجموعه اشعار دریچه‌ای به باغ دل، گلی در مرداب، فرار از دام عنکبوت، مجموعه اشعار عارفانه، معجزاتی که در این نزدیکی است، عارفانه‌ها، عاشقانه‌ها، جاودانه‌ها و اندیشه‌ها مجموعه تألیفات من است که تاکنون به چاپ رسیده است و علاوه بر این حدود ۱۶ مقاله در مجلات کانون وکلا، حقوق و اجماع، دادرسی ارتش، حقوق مردم، پیوند و مکتب امام را سال‌های قبل از انقلاب ارائه داده‌ام. کتاب‌ها و مقاله‌های حقوقی را با وسواس و دقت زیاد می‌نویسم.

سپس با لحنی که می‌خواهد صحبتش را در باره سابقه طولانی‌اش در نوشتن کوتاه کند، می‌گوید: بخشی از پژوهش‌ها و سوابق کاری ام در جلد سوم کتاب بانک

● کارنامه پر و پیمان

در همان ابتدای صحبت شروع به زیر و رو کردن کاغذهایش می‌کند. چند دقیقه‌ای سکوت می‌کنم تا با خیال راحت فرصت جست‌وجو داشته باشد. بالآخره پیدا می‌شود. برکه مورد نظر را مقابلم می‌گذارد. مدارک ریز و درشت دکتری از سوربون فرانسه، دست‌نوشته فرانسوی رئیس دانشگاه و ترجمه تأیید پایان‌نامه دکتری و چندین و چند برگه دیگر که نشان می‌دهد او عادت دارد تمام حرف‌هایش را با سند و مدرک بیان کند. هر چند این کار از یک وکیل برجسته و دکتری حقوق بعید نبوده و امری کاملاً عادی تلقی می‌شود ولی برایم جالب است که کاغذهای قدیمی با مهر و امضای اصلی تا این حد مراقبت شده است.

● آرزویی که دور نبود

صحبت‌هایش را این‌طور شروع می‌کند: جاوید صلاحی هستم، به گواه شناسنامه‌ام متولد ۱۳۱۱. ولی به روایت برادرم این تاریخ تولد اصلی ام نیست و چند سالی کوچک‌تر از این سال قیدشده هستم. در گرگان متولد شده‌ام ولی از همان کودکی هر وقت که به مشهد می‌آمدم دلم می‌خواست همسایه امام‌رضاع باشم که بالآخره هم قسمتم شد و سال ۷۰ با دعوت به کار دانشگاه فردوسی برای تدریس ساکن مشهد شدم. برگردم به گذشته‌های دورتر. آن زمانی که با پدر و مادرم و ۳ برادر و ۲ خواهر در نهار خوران گرگان زندگی می‌کردیم. زندگی ما پدرسالاری بود. مادرم زنی مطیع و باخدا بود که تمام هم و غمش تربیت بهتر بچه‌هایش بود. خیلی تلاش می‌کردم که تحصیل کرده شوم من پسر آخری بودم و با وجود شیفت‌های زیادی که داشتم، کتاب‌خوان بودن برادرهایم تأثیر زیادی در زندگی من داشت.

● خاطراتی فراتر از یک کتاب

کمی مکث می‌کند و باز ادامه می‌دهد: باید کتاب خاطراتم را بنویسم. زندگی پرفراز و نشیب من در این یکی دو صفحه جای نمی‌گیرد. به کشورهای زیادی سفر کرده‌ام و از جمله فرانسه برای تحصیل. مدام دنبال تحقیق بودم آن هم در باره انواع جرائم در کشورهای مختلف بعد از جنگ جهانی دوم که البته این موضوع به عنوان یک بحث کارشناسی حقوقی و جامع‌شناسانه در برخی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. خاطرات جالبی از ۶۰ سال قبل دارم، زمانی که مدرک دکتری ام را در ایران به مسئولان دانشگاه ملی که اکنون به نام شهید دکتر بهشتی شناخته می‌شود، نشان دادم. سال ۴۶ تازه از فرانسه برگشته بودم و کارآموز وکالت بودم که فراخوانی را در روزنامه دیدم. در آن فراخوان به وکیلی نیاز داشتند مخصوص اطفال و کودکان بزهکار. همان سال‌ها بود



دکتر جاوید صلاحی دو عرصه متفاوت ادبیات و حقوق را تجربه کرده است. کتاب عارفانه‌ها و اندیشه‌ها برگزیده‌ای از اشعار اوست که به سبک کلاسیک و با مضامین عرفانی و در قالب‌های غزل، رباعی و دوبیتی سروده شده‌اند. همچنین گلی در مرداب، دریچه‌ای به باغ دل منتخب سروده‌های وی و فرار از دام

عنکبوت در حوزه ادبیات داستانی از دیگر آثار قلمی اوست. دکتر صلاحی علاوه بر این مجموعه‌ها تحقیقات گسترده‌ای در جرم‌شناسی دارد که نتیجه آن تألیف مجموعه‌هایی نظیر جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید، کیفی‌شناسی و دیدگاه‌های جدید، درآمدی بر جرم‌شناسی، مجموعه بزهکاری اطفال و نوجوانان و... است.

● رقابت برای رساندن استاد

ریز و درشت برخی خاطرات به وجدش می‌آورد و صدای خنده‌اش را بلند می‌کند. به آن قسمت‌هایی برمی‌گردد که دوران تدریسش در دانشگاه ملی را شامل می‌شود. با همان خنده ادامه می‌دهد: سال ۴۸ ازدواج کردم، آن سال‌ها ماشین نداشتم و سربالایی تند دانشگاه ملی را باید پیاده می‌رفتم. دانشجوها غالباً از بزرگان کشور بودند و بیشتر آن‌ها با خودروهایشان به کلاس درس می‌آمدند. من که با بیشتر آن‌ها رفیق بودم می‌دانستم همه دلشان می‌خواهد استاد را تا کلاس همراهی کنند، هر بار سوار ماشین یکی از آن‌ها می‌شدم تا دیگران دلخور نشوند و نوبت به همه آن‌ها برسد. دلیل رضایت و خوشحالی‌اش معلوم می‌شود. از زندگی پر بار و پرفایده‌ای که همیشه مملو از تلاش بوده و علاوه بر نفعی که برای جامعه داشته است به گفته جامعه‌شناس بزرگ مازلو، نیاز احترام در جامعه را برای خود او نیز برآورده ساخته است.

● استادی جدی و مهربان

باز دکتر صلاحی لایه‌لای کاغذهایش شروع به جست‌وجو کرده و آن‌ها را زیر و رو می‌کند. این بار برگه‌ای را مقابلم می‌گذارد که بیان‌کننده جایگاه اجتماعی او در گذشته است. اینکه در چه دانشگاه‌ها و مقاطعی تدریس داشته و در چه زمینه‌هایی به دانشجویانش کمک کرده است تا تحقیقاتی وسیع را به پایان برسانند. با تأکید می‌گوید: هزاران نفر از قضات و وکلای کشور در کلاس‌های من درس خوانده‌اند. همیشه دقت داشته‌ام که کسی با تقلب نمره نگیرد اما هر بار که دانشجویی را در حال تقلب دیده‌ام به خودم اجازه نداده‌ام که برخورد ناشایستی با او انجام دهم و به یک تذکر بسنده کرده‌ام.

در تمام سال‌های تدریس به استادی شهرت داشته‌ام که جدی، پرتلاش ولی مهربان است.

● پدری با اراده و محکم

از او درباره خانواده و فرزندانش می‌پرسم با مکث می‌گوید: همسر اولم پزشک بود، یک دختر و یک پسر حاصل آن ازدواج بود و زندگی بسیار خوبی داشتیم. همسرم بچه‌ها را تشویق می‌کرد که در رشته پزشکی تحصیل کنند، دو فرزندم هم مانند مادرشان پزشکی را انتخاب کردند اما از بد روزگار نتوانستیم سال‌های زیادی را با هم زندگی کنیم و همسرم بر اثر سکته درگذشت. پس از آن با خانمی مشهودی آشنا شدم، از این پیوند نیز ۳ فرزند دارم، یک پسر و دختر دوقلو ۲۸ ساله و یک دختر ۲۲ ساله که در رشته معماری و عمران درس

خوانده‌اند. همیشه به فرزندانم می‌گویم با تلاش و پشتکار به هر چه می‌خواهند می‌توانند برسند. شرط موفقیت هر انسانی ایستادگی در برابر مشکلات است. خود من با فراز و نشیب‌های زیادی دست و پنجه نرم کرده‌ام. چندین بار از نظر مالی زمین خورده‌ام، بارها پیش آمده است که پس از اتمام کلاس‌ها یا پروژه‌ها حق و حقوقم را نپرداخته‌اند. بن بست در مسیر زندگی‌ام کم نبوده است اما دوباره تلاش کرده‌ام و همه چیز را از نو ساخته‌ام. اکنون هم بیکار ننشسته‌ام و کتاب می‌نویسم.

● آن‌هایی که بعد از مرگ به زندگی برگشته‌اند

او ادامه می‌دهد: به نظر من هیچ وقت برای کارکردن دیر نیست. سال‌های گذشته که جوان‌تر بودم همراه سالمندان امام جواد(ع) بودم و در سخنرانی‌ها و مشاوره‌هایی که داشتم سالمندان را تشویق می‌کردم تا از اوقات خود استفاده کرده و مطالعه را ترک نکنند. این کار باعث می‌شود اوقات آن‌ها به بطالت و بیهودگی سپری نشود. نوشته‌هایم را در اختیار دیگران قرار می‌دهم، هر وقت کتابی می‌نویسم و دوستانم آن را می‌خوانند، مطالب به قدری برایشان جالب است که یک نفر مسئولیت و هزینه‌های انتشار آن را برعهده می‌گیرد. نمونه‌اش کتاب معجزاتی در این نزدیکی است که نتیجه ۵ سال تحقیق من درباره افرادی است که یک‌بار مرده‌اند و دوباره به زندگی بازگشته‌اند. این کتاب طرف‌داران زیادی دارد.

اطلاعات من بسیار زیاد و نوشتنم برایم سرگرم‌کننده است به همین دلیل قیمتی که برای کتاب‌هایم تعیین می‌کنم معمولاً خیلی ارزان است تا مردم بتوانند به راحتی آن‌ها را خریده و از مطالب آن استفاده کنند.

● حقوق و ادب در کنار هم

دکتر صلاحی پس از اندکی تأمل این‌گونه ادامه می‌دهد: برای خیلی از افراد جالب است که چطور در کنار کتاب‌های حقوق و جزا مجموعه اشعار هم نوشته‌ام زیرا رشته سخت و جدی حقوق با طبع لطیف شاعری هم خوانی زیادی ندارد.

به نشانه تأیید صحبتش من هم سری تکان داده و مشتاقانه گوش می‌دهم تا از میان کلماتی که بعضی از آن‌ها نامفهوم بیان می‌شود بتوانم دلیل این طبع لطیف را دریابم. دکتر صلاحی باز برمی‌گردد به زندگی گذشته‌اش و به روزگاری که در نهارخوران گرگان بوده‌اند و همین‌طور که تصمیم دارد از شکوفاشدن حس شاعری‌اش بگوید یاد خاطرات زیبای مادرش می‌افتد و کلی ماجرا از کودکی‌هایش برایم تعریف می‌کند. از سمنو پختن مادر و شیطنت‌های او که به دیگ داغ سمنو ناخنک می‌زده است تا کشت و درو به همراه خانواده در زمین‌های پهناور روستا و مهمان‌نوازی‌ها و سفره‌داری‌های مادرش.

● دست‌نوشته‌های شاملو را می‌خواندم

ناگهان یادش می‌آید که قرار بوده از اولین جرقه‌های ادبی‌اش تعریف کند. می‌گوید: پسر کوچک خانواده بودم و دوستان برادرهایم همیشه به خانه مارت و آمد داشتند. من حدود ۸ ساله بودم و برادر بزرگم تقریباً ۲۲ ساله و برای گذراندن دوره ماشین‌نویسی به گرگان می‌رفت. احمد شاملو که یکی از دوستان او بود بیشتر از بقیه به منزل ما می‌آمد. آن‌ها هر جمعه با هم می‌نشستند و ساعت‌ها درباره ادبیات صحبت می‌کردند. موقع رفتن شاملو دست‌نوشته‌هایم را به برادرم می‌داد تا آن‌ها را تایپ کند و هفته بعد به او بدهد. من هم از سر شیطنت کودکانه هر بار آن‌ها را می‌خواندم و از وزن آهنگین آن لذت می‌برد. ناگفته نماند که هیچ چیزی از معنی آن‌ها متوجه نمی‌شدم و فقط موزون‌بودن آن‌ها برایم جالب بود. البته کتاب شعرای بزرگی چون فردوسی، خیام، حافظ و سعدی هم در خانه مان بود و آن‌ها را هم می‌خواندم. اما نکته‌ای که برایم جالب بود تفاوت وزن شعرهای شاملو با شعر شعری قدیمی بود. با همه کودکی این تفاوت را به خوبی حس می‌کردم و از همان زمان این جرقه در من ایجاد شد و به شعر و ادبیات علاقه‌مند شدم. سال‌های بعد در مدرسه، معلم ادبیاتی به نام غلامحسین

مولوی داشتیم که این استعداد را در من کشف کرد و مشوقم برای سرودن شعر شد. او زنگ انشا را اختصاص می‌داد به شعرهای من تا بتوانم با انگیزه بیشتری بنویسم، بچه‌های کلاس هم خیلی استقبال می‌کردند، البته نه به این معنی که درک بالایی از شعر داشتند بلکه می‌خواستند ساعت‌های انشا به این صورت سپری شود.

● با شیوا تخلص می‌کردم

یاد خاطرات مدرسه که می‌افتد دوباره خنده‌ای از ته دل سر می‌دهد و شعرهایی طنز را برایم می‌خواند که در آن سال‌ها برای شوخی با همکلاسی‌هایم می‌سروده است. ابیات کوتاهی که گواه شیطنت‌های کودکانه همین پیرمرد سالخورده‌ای است که آرام و باحوصله پشت میز نشسته است. انسانی که در تمام سال‌های عمرش تلاش کرده است تا کودکان این سرزمین در پناه قوانین درست و حمایتگر بهتر از قبل زندگی کنند. بعد به تخلص خود اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: در ابتدا تخلص «غمین» را برای خود انتخاب کرده بودم. «غمینا- چند می‌نالی، غم گیتی فراموش کن، که می‌ترسم از این حالت غمی دیگر پدید آید» اما یکی از دوستانم که تخلص خودش -تتها- بود، وقتی که شعرهای مرا شنید به من گفت که این تخلص برای روح شاداب و سرزنده تو مناسب نیست و از درون اشعارم برایم تخلص «شیوا» را برگزید.

دکتر صلاحی پس از این سخنان کمی به فکر فرو می‌رود. چند بار تلاش می‌کند نامی را بر زبان بیاورد ولی انگار اسمی قدیمی در ذهنش کمرنگ شده است. چیزی که در حافظه او به صورت ماندگار حک شده ابیاتی است که خودش سروده است. با ظرافت و دقت در ادای حروف، می‌خواند: «قلم و زبان شیوا- همه خاص توست یارب، مددی کزو بماند سخنان نغز و پایا» و این جمله آن قدر به دل می‌نشیند که آرزو می‌کنم سخنان دکتر جاوید صلاحی برای نسل‌های آینده نیز ماندگار و جاودان باقی بماند. سخنانی که می‌تواند انگیزه‌بخش جوانانی مانند او باشد که می‌توانند قوانین کشور را در راستای سلامت اجتماعی سوق دهند.

● خوشا مشهد که شهر زندگانی‌ست

بعد از خواندن این بیت، کتاب‌هایی را که روی میز گذاشته بود به من می‌دهد و می‌گوید: این کتاب‌ها تقدیم به شما. آن‌ها را ورق می‌زنم و از هر کدام چند برگه را نگاه می‌کنم تا محتوای کلی مطالب را دریابم. آخرین کتاب او بیشتر از بقیه نظرم را جلب می‌کند. دکتر صلاحی هم متوجه علاقه من به کتاب شعر شده است و درباره کتاب عارفانه و عاشقانه‌هایم می‌گوید: در این کتاب اشعار مناسبی برای پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به‌ویژه امام رضا (ع) سروده‌ام. قطعه‌ای برای امام هشتم گفته‌ام و از شهر امام تعریف کرده‌ام. در پاسخ به حافظ که گفته است «خوشا شیراز» من هم «خوشا مشهد» را سروده‌ام. سپس با نجوایی عارفانه شروع به خواندن می‌کند: «خوشا مشهد که شهر زندگانی‌ست / و تقدیش قضای آسمانی‌ست / خوشا شهری که تابستان هر سال / پذیرای هجو می‌ناگهانی‌ست / ولی با این همه زوار بسیار / بری از قحطی و دور از گرانی‌ست» و همین‌طور در وصف مشهد و زائرانش کلمات را پی‌درپی هم می‌آورد و مشهد را با شیراز مقایسه می‌کند. تا بدین جا که حرف دل خود را این‌طور می‌گوید: «مجاور می‌شود اینجا هر آن‌کس / که روگردان از این دنیای فانی‌ست / چنین شهری بدین اوصاف بسیار / پناه‌گیری و باب جوانی‌ست / گر از شیوا نماند جز همین شعر / مزید افتخار و شادمانی‌ست»

جاوید صلاحی تیز بین، لایه‌لایه و خودآگاه در باره خیلی چیزها حرف دارد و خوبی‌اش این است که عادت دارد فکرهایش را کلمه کند و ماندگار. مستقل از اینکه او یک حقوقدان برجسته است به خاطر هنر نوشتنش درباره عدالت برای کودکان و... محترم است. ■





اگر اهل تماشا هستید این مکان را از دست ندهید

بر بام زو

هم محلی

هم به چشمه های پر از آب آن بر می گشت که محل گشت و گذار و چرای گوسفندان بود. شاید وجود همین چشمه و ظرفیت های دیگر آن بود که مورد توجه قرار گرفت. میزبانی یکی از اهالی، بهانه دعوت از مسئولان شهرداری در دهه ۷۰ شده و بحث مذاکره در باره بهره برداری و ایجاد فضای سبز ختم به احداث بوستان خورشید می شود. با بهره برداری از پارک کوهستانی راه دسترسی به ارتفاعات جنوبی شهر هم آسان شد.

می شود گفت جزو معدود قله هایی است که دسترسی به آن از پایین کوهپایه سخت نیست. کوهنوردان و دوستداران این ورزش می توانند ماشین های خود را در بوستان بگذرانند و به کوه برسند. مسیر برای کوهپیمایی راحت و هموار است. حتی جای نگرانی برای آن هایی که به تجهیزات کوهنوردی دسترسی ندارند نیست. سرویس بهداشتی و استراحتگاه از جمله امتیازاتی است که به کار می آید.

سه شنبه های هر هفته برنامه کوهنوردی در حال انجام است و خیلی هم استقبال می شود و دلیل آن شاید برگردد به این موضوع که مشهد غیر از هفت حوض مکان کوهنوردی ندارد.

● چشمه معین

حدود ۱۲۰۰ متر پشت قله چشمه و سرسبزی کوچکی وجود دارد که آن محدوده دره معین و آن چشمه، چشمه معین نام دارد.

● از کجا برویم

حالا شاید سوال این باشد که از کجا برویم. مسیرهای دسترسی به این نقطه را برای شما مشخص می کنیم تا هر کدام راحت تر است انتخاب کنید.

مسیر پارک خورشید: مسیری کوتاه و سریع برای دسترسی به قله است که از پارک خورشید در انتهای هاشمیه شروع می شود و با حدود ۴۵ دقیقه کوهپیمایی به قله می رسد.

خیابان هفت تیر: این مسیر، مسیری طولانی تر برای رسیدن به قله است که از انتهای خیابان آب و برق شروع شده و ظرف یک ساعت و نیم کوهپیمایی به قله می رسد.

اگر در گرگ و میش صبحگاهی یا عصرگاهی خودتان را به قله زو و چشمه های پشت آن رساندید، یادتان نرود چراغ های روستای «حصار گلستان» را هم در سمت راستان ببینید. ■

قصه از دوستی آدم ها با کوه شروع می شود. شکوه اسرار آمیزی که تنهایی خیلی از آن ها را بر می کند و به هم نشینی شان با کوه می رسد. این دوستی آن قدر عمیق و پایدار می شود که هر هفته پای قرارشان می آورد گرگ و میش های طلوع و غروب.

روایت از جایی شروع شد که آدم ها احساس کردند قله ها جای بکرتری برای خلوت و تنهایی هستند. شب هایش سکوت تماشایی و عجیبی دارد با آرامشی که کمیاب است و تقریباً جایی پیدا نمی شود. خنکای غروب که می شود هیجان رفتن به جاده ای پیچ در پیچ و تاریک، آدم را به نقطه ای می رساند که شهر زیر پایش است و چراغ ها سوسو می زنند و از آن بالا چقدر همه چیز تماشایی است. به خیالمان رسید ناپایه های شهر زیاد است. گرچه شاید گذر شما به پیچ و خم جاده ای بیلاقی افتاده باشد که انگار تکه ای جدا از شهر است، آن هایی که یک بار مسیرشان افتاده باشد، محال است آن را از دست بدهند. به دلیل همین جذابیتش بود که این بار تصمیم گرفتیم انتخاب این نقطه گردشگری را به کسانی پیشنهاد کنیم که به دنبال جایی دنج و دیدنی هستند.



● کوهنوردی در زو

زو با ارتفاع ۱۵۰۸ بلندترین قله از ارتفاعات آب و برق مشهد و یکی از مسیرهای اصلی تمرین کوهنوردی مشهد به حساب می آید که بیشتر باشگاه ها و گروه های کوهنوردی، برنامه تمرینی هفتگی صعود به این قله را دارند.

گرچه برنامه کوهنوردی برای سه شنبه ها برنامه ریزی شده است اما قرار است به زودی با همکاری هیئت کوهنوردی، جمعه ها هم اختصاص به این موضوع پیدا کند، کوهنوردی خانوادگی و دسته جمعی.

● گاش ها تبدیل به بوستان شد

فتنی، ناظر فضای سبز پارک خورشید، با بیان اینکه در این محدوده گاش ها تبدیل به بوستان شده است، اشاره ای کوتاه به تاریخچه استفاده از این جاذبه گردشگری تفریحی می کند: در گذشته های نه خیلی دور این نقطه محدوده ای بود که به آن گاش ها می گفتند و دلیل این موضوع

روایت از جایی شروع شد که آدم ها احساس کردند قله ها جای بکرتری برای خلوت و تنهایی هستند



وقتی تصرف در کوه ختم به خانه سازی می شود مشکل یکی دو تا نیست

از معطلی طرح اگو تا نبود پلاک در شقایق

در محله



آخرین حلقه قلاب برای جماعتی که دستشان به جایی بند نیست رسانه است. چه به مقصود برسند و چه مستولان بی تفاوت از کنارش بگذرند. حالا فکر کنید هوای داغ تیر ماه آتش از دل آسمان بیبارد و نگذارد ماشین سر بالایی های خیابان هایی که به گواهی اهالی اش قدیم مفت آباد نام داشته است بالا برود. به خیالمان پیرمرد مزاح می کند وقتی نام قدیم محله را می گوید و می خندد «مفت آباد بابا جان. گوش گرفتی» به عبارتش می خندیم و چشم از پیرمرد نمی گیریم. سالانه سالانه مسیری یکی از خیابان ها را که حالا شقایق ۱۰ نام دارد بالا می رود. انگار این کوهپیمایی روزانه برایش عادت شده است. ظاهراً برای اهالی محله هم همین طور است که این سرایشی و سر بلندی ها را راحت می روند و می آیند.



● تأخیر در اجرای طرح اگو

مجالگی روزنامه دور سبزی های بیشتر می شود وقتی دست های زن که همه سال های جوانی اش را در این محله گذرانده است از عصبانیت مدام تکان می خورد. میانسال زنی ۶۰ ساله است که از ۵ سال پیش ساکن این محدوده شده است. قرار است در باره مشکلات محله زندگی اش حرف بزند. به هر طرف که نگاه می کند لبخند می زند نه از سر سرخوشی.

کنیز رضا آبیاری می گوید: از هر چیز که بگذریم خرابی های طرح اگو و ناتمام ماندنش خلق ما را تنگ کرده است. مجبوریم هزینه تخلیه فاضلاب را هر چند ماه پرداخت کنیم. یاد نیست به گمانم ۵ سال می شود که هزینه های طرح اگو را پرداخت کرده ایم اما خبری از اجرای این طرح نیست. البته در برخی خیابان ها انجام شده است اما چرا سرعت این قدر کم است؟

● آبادی مفت آباد

عصمت علی پور، یکی دیگر از ساکنان محله، است که در پاسخ به چرایی و دلیل خیابان های شب دار منطقه که به کوه منتهی می شوند، می گوید: این محله قدیم همه کوه بود بعداً رفته رفته که شهر گسترده شد خیلی ها آن ها را صاف کرده و علامت گذاری کردند و نشانه هم گذاشتند به خاطر همین نامش را در قدیم مفت آباد گذاشته اند. نام گذاری اهالی است دیگر. آن هم به دلیل اینکه کسی پولی پرداخت نکرده است، البته ماجرا مال خیلی قبل است. بعداً که جمعیت زیاد تر شد محدوده از تسهیلات خدمات شهری هم بهره مند شد.

وی ادامه می دهد: مشکلی که در این محدوده هست علاوه بر ناهمواری و شکل پلکانی کوچکی که خودتان هم شاهد آن هستید و تبعاتش بیشتر در زمستان و فصل بارش به چشم می آید، تردد سخت و ترافیکی است که در خیابان ها پیش می آید. شما ببینید ۲ خودرو از کنار هم نمی توانند به راحتی بگذرند. حالا فکر کنید صاحبان خودرو به دلیل اینکه فضایی برای پارک ندارند، مجبورند مقابل منزلشان توقف کنند. این موضوع رفت و آمد را برای دیگران مشکل می کند. خیابان ها را هم که می بینید چه اوضاعی دارند و چقدر رفت و آمد برای بچه ها و سالمندان سخت است.

● زندگی ام را آب برداشته است

گلایه های برات محمد بیدل یکی و دو تا نیست. دلیل پریشانی و سردرگمی اش را وقتی متوجه می شویم که

تعریف می کند ۳ روز است زندگی ام را آب برداشته است و اشاره دارد به محلی که به دلیل فرسودگی و ترکیدگی لوله ها آب به خانه آن ها نشت کرده است.

بیدل هم حرف های هم محله ای های دیگر را در باره اجرا شدن طرح اگو پیش می کشد و می گوید: چرا شهرداری قول درست نمی دهد؟ قرار بود خرابی های اینجا را سامان دهی کنند و بعد سراغ مکان بعدی بروند اما هنوز اینجا را درست نکرده اند دست روی نقطه دیگری گذاشته اند.

● تصرف کوه برای زندگی

یکی دیگر از اهالی با همان اشاره کوتاه تصرف کوه از سوی برخی افراد و هموار کردن و در اختیار گرفتنش برای زندگی را توضیح می دهد: نه اینکه فکر کنید کار خیلی راحتی است به الان این محله نگاه نکنید، یادم می آید اوایل اینجا یک شیر آب بود و یک دکل برق و زمستان های سرد و کوهستانی. این محدوده از همان ایام جزو روستا و حاشیه شهر به حساب می آمد. هر چند حالا به اصطلاح خیلی پیشرفت کرده است. حالا ببینید با توجه به اینکه زیر ساخت ها درست نیست و ساختمان ها استحکام کافی ندارند، کوچک ترین زلزله و سیل چقدر می تواند به این محدوده آسیب برساند.

راعی فرد در حالی که مسیر سرایشی را تند و چابک پایین می آید، می خندد و می گوید: خوششان می آید بدون اینکه شهرداری بخواهد کاری بکند ما خودمان برای خودمان تفریحگاه ساخته ایم و کوهپیمایی می کنیم. گلایه او یک موضوع تکراری است و می داند طرح آن فایده ای ندارد با این حال ادامه می دهد: بچه های این محله حتی فضای کوچکی برای بازی و تفریح ندارند. خانواده ها اجازه این را نمی دهند که فرزند کودک و نوجوانشان بخواهد برای استفاده از فضای سبز به پلکان باباکوهی برود ما که خیلی گفته ایم. حالا شما هم مظر حش کنید ببینیم به کجای رسد.

● خانه بودن پلاک

یکی دیگر از هم محله ای ها موضوع نداشتن پلاک خانه ها را پیش کشیده است و می گوید: اگر شما واسطه کار خیر شوید که در این محدوده پلاک گذاری یکسانی انجام شود، همیشه دعاگویمان خواهیم بود. ما حتی نمی توانیم نشان منزلمان را به جایی بدهیم. شما مگر کاری بکنید. حرف های یاد است. گفته های اهالی ای که مشرف به کوه اند و صبح و شامشان هنوز هم در دل صخره های صاف شده طلوع و غروب می کند. ■

آی خبر

تبادکان در پنجمین دوره جشنواره خوارزمی برتر شد

شکوفایی هنر نوجوانان

پنجمین دوره جشنواره نوجوان خوارزمی در مرحله استانی برگزار شد. به گزارش شهر آرامحله، این جشنواره که در قالب بازارچه ای در محل دانشگاه فرهنگیان دانشگاه فردوسی مشهد در ۳ روز برگزار شد، شامل دو بخش دختران و پسران بود. در روز نخست انواع کارهای دست دوز و صنایع دستی دختران به نمایش گذاشته شد و پس از آن فعالیت هنری و صنایع دستی پسران استان در معرض دید و استفاده عموم قرار گرفت. یکی از ویژگی های این برنامه شرکت دختران و پسران نوجوان از روستاها و مناطق محروم بود که با ارائه هنرهای دستی خود تلاش دارند ورود به بازار کسب و کار را در همین سنین بیاموزند.

نرگس سردار، سرپرست بازارچه تبادکان که نوجوانانش موفق به کسب مقام برتر در گروه (ب) شده اند، در این زمینه گفت: تحصیل برای دانش آموزان مناطق محروم کار تقریباً دشواری است که به اعتقاد من بزرگ ترین مانع در این مسیر مسائل فرهنگی خانواده هاست. خانواده هایی که نمی پذیرند فرزندانشان به ویژه دختران درس بخوانند و ترجیح می دهند یا به بازار کار وارد شوند یا ازدواج کنند. وجود این جشنواره و بازارچه باعث تشویق خانواده ها برای ادامه تحصیل فرزندانشان و حضور آن ها در این فضاهای فرهنگی است.

این در حالی است که بیشتر نوجوانان شرکت کننده در جشنواره از پتانسیل های منطقه ای خود بهره گرفته و انواع سبزیجات کوهی و گیاهان دارویی را که خودشان جمع آوری کرده بودند هم دیده می شد. ■



زیر سایه خورشید با هنرمندی نوجوانه

۲ فیلم کوتاه سه دقیقه ای با موضوع امام رضا (ع) در دهه کرامت از گروه هنری نوجوانه به روی آنتن رفت.

به گزارش شهر آرامحله این گروه که با هنرمندی نوجوانان منطقه ما در زمینه تولید و ساخت فیلم و مستند فعال است با ساخت فیلم های کوتاه از زیر سایه خورشید ویژه ولادت امام رضا (ع) سعی در آشنایی مخاطب با این برنامه داشت.

این در حالی بود که نریشن های زیر سایه خورشید نیز از سوی نویسندگان این گروه تحریر شده و با بازی هنرمندان به اجرا در آمد.

نوجوانه عنوان گروه هنری نوجوانان این منطقه است که در زمینه تولید آثار تلویزیونی و پرداختن به موضوع های مذهبی و اجتماعی و فرهنگی فعال است. ■

عضویت رایگان در میلاد امام رضا (ع)

کتابخانه عمومی امام خمینی (ره) مانند دیگر کتابخانه های عمومی استان در روز میلاد امام رضا (ع) بدون دریافت حق عضویت از متقاضیان ثبت نام کرد.

به گفته الهه فیض، کارشناس فرهنگی کتابخانه مرکزی امام خمینی (ره)، در این روز فقط با دریافت حق صدور کارت که مبلغ ۱۰ هزار تومان است، افراد عضو کتابخانه شدند. عضوگیری در روز ولادت امام رضا (ع) با استقبال خوب مردم روبه رو شد. این مجموعه از مجهزترین کتابخانه های عمومی با منابع متعددی از کتاب در موضوع های مختلف دینی، اجتماعی، روان شناسی، ادبیات و... است. ■



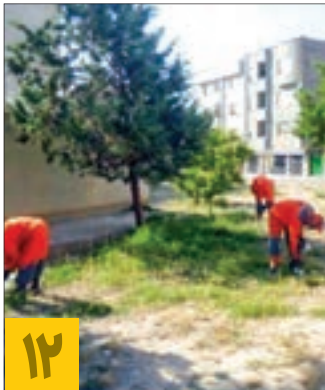
مردمک

تا قله راهی نیست
جایی برای ملاقات
با خودت

مسیر قله زو

۱۱

ساناز صفائی
شهرآرا



۱۲

از اول سال تاکنون انجام گرفت پاکیسازی ۴۲ هزار متر اراضی بایر

رئیس اداره خدمات شهری و محیط
زیست منطقه ۹ از تسطیح و پاکسازی
بیش از ۴۲ هزار اراضی بایر از اول سال
تاکنون خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه،
مجتبی میربلوکی با اعلام این مطلب گفت:
به منظور زیباسازی و حفظ محیط زیست شهری،
همراه با تسطیح اراضی منطقه پاکسازی و
نخاله برداری زمین های خالی و رهانیز
انجام شد.
وی ادامه داد: علف زنی، نصب تابلو و بنر
ماده ۱۱۰، جمع آوری خاک و نخاله و دیوارکشی
از جمله اقدامات انجام شده در این زمینه بود.
بلوکی گفت: با توجه به آغاز فصل گرما و تشدید
خطرات بهداشتی ناشی از دپوی خاک و نخاله
و احتمال بروز بیماری سالک، جمع آوری و
پاکسازی پسماندهای ساختمانی، کانال ها و
معابر از هرگونه آلودگی اهمیت ویژه ای دارد. بر
همین منبنا بیش از ۶۰ قطعه زمین با مساحتی بیش
از ۴۲ هزار و ۲۵۰ متر مربع در محلات مختلفی
از جمله سرافرازان، نیاوران، لادن، بهارستان،
آرمان، فکوری و نماز که به مکان جمع آوری
زباله و نخاله تبدیل شده بود، نظیف، پاکسازی
و سامان دهی شدند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان
منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند
مشکلات محله خود را با شماره تماس
۳۷۲۸۸۸۸۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به
گوش مسئولان برسانیم.

زیاله و نخاله در شیرازی

محمدی: ورودی شیرازی ۳/۱ همیشه پر از
زیاله و نخاله است. بارها این موضوع را به
شهرداری اطلاع رسانی کرده ام. تاثیرش
فقط تا چند روز بوده است و دوباره به حالت
اولیه برمی گردد. خواستم از طریق ستون شما
دوباره این موضوع را یادآوری کنم.

کوچه های بی هویت

حسینی: برخی خیابان های شقایق بدون
پلاک است و می شود گفت خیابان های
بی هویتی است که نمی توان روی نشانی آن
برای اعلام به دیگران حساب کرد. لطفا ما را
از این بی هویتی نجات دهید.

سرباز وظیفه شناس

شهروند: چند روز قبل صحنه ای در هاشمیه
دیدم که خیلی تحت تاثیر قرار گرفتم. دیدن
سرباز وظیفه شناسی که در گرمای تابستان
مشغول راندن ویلچر پیرزنی بود. گرچه به
اطراف خود توجهی نداشت اما به نظرم جا
داشت تصویری از این صحنه منتشر می شد
تا حس مسئولیت پذیری افراد ترغیب شود.

توقف پروژه

شهروند: چرا با وجود شروع پروژه اتصال
بولوار خاقانی به بولوار نماز بعد یک هفته
کار پروژه متوقف شده است و تابلو روز شمار
خاموش شده است؟

بازدید تسهیگران از کوثر و شقایق

۱۳

تسهیلگران طرح محله ماهمراه با مدیران شهری از محله های کوثر و شقایق بازدید کردند.

و مشخص کردن اولویت ها در نظر سنجی های
مردمی که چندین نوبت انجام می شود موضوعات
را مطرح کرده و به مشورت می گذارند. این در
حالی بود که جلسه اول محله کوثر در بوستان
پرنیان برگزار شد و چگونگی و اهداف طرح محله
ما برای اهالی این محله هم تشریح شد. طرحی که
بهانه همدلی و مشارکت آن ها در حل مشکلات
محل زندگی شان شده است قرار است تا یک
ماه و نیم دیگر در ۴ محله مشخص شده منطقه ۹
تکمیل شود.

به گزارش شهرآرامحله تسهیگران به عنوان
مشاور و حلقه واسط مدیریت شهری با حضور
در محله و گفت و گوی رودررو با آن ها در جریان
مشکلات اهالی قرار گرفتند.
به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، در
این بازدید که با حضور مهندس فرهاد ذبیحی،
معاون اجرایی منطقه ۹، انجام شد اهالی کوثر
و شقایق در رابطه با دغدغه ها و مشکلات محله
خود صحبت کرده و پیشنهادهایی را ارائه دادند.
این در حالی است که تسهیگران با پالایش نظرات



کلینیک روانشناسی صنعتگر

ارائه دهنده خدمات مشاوره ای در زمینه



- مشاوره کودک و نوجوان
- بازی درمانی
- کلاس های آموزشی برای والدین
- درمان بیش فعالی / کمبود دقت
- توجه و تمرکز / اختلالات یادگیری
- روش نویسن نوروفیدبک
- گفتار درمانگر / درمانگر اتیسم

- درمان اضطراب، افسردگی، وسواس و اختلالات جنسی
- گروه درمانی، خانواده درمانی، زوج درمانی
- مشاوره ازدواج، طلاق، تحصیلی، شغلی و ورزشی
- اجرای آزمون های هوشی، شخصیت و استعدادیابی

بولوار پیروزی - روبروی پیروزی ۳۹
ساختمان پزشکان پریخ - طبقه اول - واحد ۹ - کلینیک روانشناسی صنعتگر

۰۹۳۸۰۷۴۸۱۵۵ - ۳۸۹۲۵۳۵۷ - ۳۸۹۲۵۳۰۷

@sanatgardinic
@zendeginosanatgar
@kodakclinicsanatgar

www.alisanatgar.ir
Ravanshenassanatgardinic